

ورزش بانوان

**تیرو و کمان در انتظار بازگشت نعمتی**  
زهران نعمتی یکی از نام‌های پر تکرار در رشته تیراندازی با کمان است. کماندار پارالمپیک که با جابه‌جایی مرزها سهمیه المپیک را گرفت و به رقابت بالمپیک‌ها پرداخت، او همچنین با اثبات توانمندی خود در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارا تانیز شرکت کرد که البته با اتفاقات عجیب و غریبی که رخ داد، حضور طولانی در این مسابقات نداشت. نعمتی اما مدتی است که در تمرینات حضور ندارد. داشتن سرمربی خارجی تقریباً یکی از مشکلات همیشگی در خواست‌های او از فدراسیون بوده است. با این وجود غلامرضا شعبانی‌بهار رییس فدراسیون تیراندازی با کمان اعلام کرده با توجه به سال مهم پیش رو، در انتظار بازگشت نعمتی هستند. او در این باره گفت: «بازگشت زهران نعمتی به تمرینات تیرو و کمان بستگی به تصمیم خودش دارد، البته اصرار داشتیم چون سال آینده بازی‌های مهمی را پیش رو داریم و نیازمند به حضور وی هستیم، زودتر به تمرینات بازگردد که هنوز خبری نیست و همچنان منتظر بازگشت او به تیرو و کمان هستیم.» تیرو و کمان اغلب در دسته فدراسیون‌هایی بوده که با مشکلات اساسی دست به گریبان بوده است. تاجایی که فدراسیون حتی توان تامین کمان برای ورزشکارانش را ندارد. نعمتی واکنش جدیدی به بازگشت به تمرینات تیرو و کمان نشان نداده و مشخص نیست راه او فدراسیون دوباره هم به می‌رسد یا نه.



منهای فوتبال

بخت باجاشنی کنایه

نخستین بازی تیم ملی بسکتبال ایران در پنجره سوم انتخابی جام جهانی که با اولین حضور سعید ارمانی روی نیمکت اتفاق افتاد، خاطره خوشی به همراه نداشت. آسمانخراش‌های ایران که در این بازی به مصاف قزاقستان رفتند، توانستند انتقام شکست در پنجره دوم مسابقات را از این تیم بگیرند. تیمی که هیچ وقت برای ایران شکست‌ناپذیر نبوده اما حالا دو پیروزی متوالی را ثبت کرده است. کوارترهای اول و سوم این دیدار ۲۳-۲۲ و ۱۴-۱۱ به سود ایران پایان یافت و کوارترهای دوم و چهارم نیز با برتری ۱۲-۱۱ و ۱۱-۱۶ قزاق‌ها به اتمام رسید تا شاگردان سعید ارمانی با اختلاف هشت امتیازی (۶۸-۶۰) متحمل شکست شوند. این شکست آنقدر عجیب و غیرمنتظره بود که فدراسیون جهانی هم به آن واکنش نشان داد و به تیم ایران کنایه زد. فیبا در گزارشی که در رابطه با بازی ایران و قزاقستان منتشر کرد، با اشاره به تکرار باخت مقابل قزاق‌ها نوشت: «این پیروزی قزاقستان مقابل شاگردان ارمانی نشان داد که شکست دادن ایران در پنجره قبل هم اتفاقی نبود! دو تیم در جام ملت‌های آسیا با هم در گروه C مسابقات قرار دارند و دوباره به مصاف یکدیگر خواهند رفت.» ناگفته نماند که با این شکست کار ارمانی و شاگردانش برای صعود به جام جهانی سخت شد. بسکتبال ایران در بازی دوم خود در این پنجره روز دوشنبه ۱۳ تیر در سوریه به مصاف تیم ملی این کشور خواهد رفت. نتیجه این بازی در ادامه مسیر صعود ایران به جام جهانی بسکتبال بسیار اهمیت دارد.

دورفتگی کارالمپیک در راه لهستان

محمدعلی گزایی و محمدهادی ساروی که بعد از مسابقات جهانی المپیک، در مصاف رسمی و مهمی شرکت نکردند، احتمالاً عزم تورنمنت لهستان شوند. تورنمنت بین‌المللی جام پیتالسینسکی به عنوان آخرین میدان قبل از مسابقات جهانی ۲۰۲۲ صربستان برگزار می‌شود و احتمالاً این دورفتگی کار هم در آن شرکت کنند تا بعد از مدت‌ها خودشان را محک بزنند. ساروی در سال ۲۰۲۱ مدال برنز وزن ۹۷ کیلوگرم المپیک توکیو و طلای مسابقات جهانی را از آن خود کرد و گزایی هم به مدال برنز جهان در وزن ۷۷ کیلوگرم دست یافت. پیش از این نیز تیم منتخب کشتی فرنگی در جام متتو بلیکونه ایتالیا شرکت کرد و عملکرد مدعیان تیم ملی در این میدان بین‌المللی زیر ذره بین کادرفنی قرار گرفت. در کنار اینها، هشتمین اردوی تیم ملی کشتی فرنگی برای حضور در رقابت‌های جهانی از روز ۶ تیر ماه در خانه کشتی شهید مصطفی صدرزاده کمپ تیم‌های ملی آغاز شده و تا ۱۶ تیر ماه ادامه دارد.

نگاهی به مواضع اخیر علی دایی

حلیه تاریخ، حلیه مسئولیت!



آرآر طاری

علی دایی یکی از مهم ترین

چهره‌های تاریخ فوتبال ایران است. یکی از مورداحترام ترین فوتبال‌لیست‌های ایران در مجامع بین‌المللی که دومین گل‌زن برتر تاریخ فوتبال ملی نیز به شمار می‌رود. همه این‌ها یعنی شهریار حتی اگر هیچ سمتی در فوتبال نداشته باشد، همچنان یک چهره انکارنشدنی در این ورزش به حساب می‌آید. با این وجود سوابق موفق دایی در دوران بازی و شخصیت او، نباید دلیلی برای در سخت دانستن همه مواضع تلقی شوند. شهریار این اواخر صحبت‌های بحث‌برانگیزی را به زبان آورده که نقد و بررسی‌شان خالی از لطف نخواهد بود. قطعاً علی دایی هم خودش را مضمون از «نقد» نمی‌داند. چرا که چنین چیزی با جمله‌ها و شعارهای او در انتقاد از همه، در تضاد است.

احمدی‌نژاد آمد، شکست خورد! «یک هیچ جلو بودیم که ایشان وارد استادبوم شد. به بهزاد (غلامپور) گفتم می‌بازیم، همین هم شد!». این خلاصه صحبت‌های علی دایی درباره

چهره به چهره

داستان دو بازو بند در پایان عصر دو مرد محبوب سرخایی‌ها

خدا حافظ کاپیتان!

آرآر هنورد

پرسپولیسی‌ها رسماً با مرد محبوب خط دفاعی و کاپیتان‌شان در این سال‌ها وداع کرده‌اند و سید جلال دیگر به عنوان بازیکن در این تیم حضور نخواهد داشت. آبی‌هائیز به خدا حافظی باور یا غفوری نزدیک هستند. هر چند که این خبر هنوز به صورت رسمی اعلام نشده است. به هر حال پایان کار دو کاپیتان سرخایی‌ها، شروع دوران کاپیتانی ستاره‌های دیگر است. بازیکنانی که البته قبل از این هم برای مدتی بازو بند را بسته‌اند اما حالا این کار را به شکل جدی‌تری انجام می‌دهند. در استقلال و پرسپولیس، هفت بازیکن گزینه‌های کاپیتانی فصل جدید هستند. بازیکنانی که جانشین فرمانده جدا شده تیم‌شان خواهند بود.

**امید عالی‌شاه:** او حالا ساق‌قدیمی‌ترین بازیکن پرسپولیس به شمار می‌رود. ستاره‌ای که در لیگ سیزدهم با نظر علی دایی جذب شد و به زودی دهمین فصل در این باشگاه را کلید خواهد زد. امید البته برای مدتی راهی تراکتور شده بود تا دوران سربازی را در این باشگاه پشت سر بگذارد. مرد شماره ۵۰، کاپیتان شماره یک فصل آینده پرسپولیس به شمار می‌رود. هر چند که او در بسیاری از دیدارهای فصل گذشته فیکس نبوده است. با این حال

خاطر آن نتیجه افتضاح: دست‌داد. بعد در روزهای نشستن روی نیمکت این تیم است. دایی هنوز هم که هنوز است، احمدی‌نژاد را عامل شکست به عربستانی‌ها در آن مسابقه خاص معرفی می‌کند اما این روایت چقدر حقیقت دارد؟ هیچ! حقیقت آن است که آن روز رئیس‌جمهور وقت ایران حوالی دقیقه ۳۰ وارد استادبوم آزادی شد و نیمه اول جدال دو تیم هم‌اتنا سوازی بدون گل به پایان رسید. ایران در نیمه دوم به گل رسید و تا اواخر بازی از حریف جلو بود اما در همان لحظات سخت که تیم به تعویض و تغییر تاکتیک نیاز داشت، دوربین‌های عالی دایی را در حال ذکر گفتن شکار کردند. شهریار جوان، آماده هدایت تیم ملی در چنین شرایط حساسی نبود و تجربه لازم برای مربیگری را نداشت. تیم ملی با اشتباه‌های سرمربی‌اش دو گل خورد و بازی را باخت. همان شکست در نهایت ایران را در مسیری قرار داد که شانس صعود به جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی را از دست بدهد اما آیا کسی شاهد عذرخواهی سرمربی آن تیم بود؟

دایی حتی در کنفرانس خبری از مردم عذرخواهی نکرد و مشغول حملات مستقیم به خبرنگارها شد. او با لحنی کاملاً تللیکارانه به سالن کنفرانس رفت و طبعیتاً صبح روز بعد هم شغلش را به

اینکه یک مدیر نا آشنا با فوتبال به یک بازیکن معمولی برای یک فصل بازی ۲۰ میلیارد تومان می‌دهد نه تنها کمکی به فوتبال نمی‌کند، بلکه همه چیز را بیشتر به هم می‌ریزد

که در آن روز به خصوص، در علی دایی وجود نداشته است. جست‌وجوی او برای یافتن مقصر آن شکست فقط بانگاه کردن به آینه به پایان می‌رسد.

هر چقدر می‌گیرند، نوش جان‌شان!

این هم یکی دیگر از آن حرف‌های عجیب و باورنکردنی از سوی چهره‌های فوتبالی در مشروعیات دادن به ناهنجاری‌های نقل و انتقالاتی در فوتبال ایران است. چطور کسی که خودش سال‌ها در فوتبال عرق ریخته و تلاش کرده، چنین روندی را در فوتبال ایران می‌پذیرد؟ دلیل این اظهار نظر، البته چندان نامفهوم نیست. دایی می‌خواهد یک چهره محبوب در بین بازیکنان گرانتقیمت بماند تا بازگشتش را تسهیل کند اما آیا واقعاً رقم‌هایی که امروز به فوتبالیست‌های ایرانی پرداخت می‌شود، معقول و منطقی است؟ چرا مردم باید بپذیرند که چنین ارقام وحشتناکی از جیب‌شان برای فوتبالیست‌ها خرج شود؟ علی دایی که خودش سال‌ها در فوتبال اروپا بازی کرده، باید بداند که بر اساس ساده‌ترین و بدبختی‌ترین قوانین فوتبال اروپا، هیچ باشگاهی حق ندارد بیشتر از درآمدش «هنزبانی» کند. اگر ثابت شود که یک باشگاه اروپایی این کار را انجام داده، یوفا

آن باشگاه را با سخت‌ترین محرومیت‌ها جریمه می‌کند. آیا در اروپا هم علی دایی می‌تواند از تاکتیک «هر چقدر گرفتی، نوش جان!» استفاده کند؟ آیا اظهار نظرهایی شبیه به این، فقط به حرصی‌تر شدن بازیکن‌ها منجر نخواهد شد؟ حقیقت آن است که در فوتبال ایران دخل و خرج تیم‌ها اصلانستبسی با هم ندارد و این موضوع در درازمدت یک فاجعه بزرگ خواهد بود. این روند باعث می‌شود که تیم‌ها هر روز بدبخت‌تر شوند و فوتبال نیز هر روز بیشتر از گذشته در مسیر بحران قرار بگیرد. چهره‌هایی مثل علی دایی به عنوان افراد مقبول در حوزه فوتبال، باید برای اصلاح چنین وضعیتی تلاش کنند اما خودشان مشغول به هم ریختن بازار هستند.

خود دایی نیز در زمان مربیگری یکی از پایه‌گذاران قراردادهای میلیاردی برای مربیان بود و روی هر قرارداد چند متمم هم می‌گذاشت تا باشگاه برای اخراجش کار سخت‌تری داشته باشد. اینکه یک مدیر نا آشنا با فوتبال به یک بازیکن معمولی برای یک فصل بازی ۲۰ میلیارد تومان می‌دهد نه تنها کمکی به فوتبال نمی‌کند، بلکه همه چیز را بیشتر به هم می‌ریزد. این یک ضعف بزرگ برای فوتبال ایران است که باید هر چه زودتر برطرف شود. البته که راه برطرف کردن این اتفاق هم یک قانون دستوری مثل سقف قرارداد نیست. به هر حال ارزش واقعی بازیکن‌ها هرگز چنین رقم‌هایی نیست و فقط عده بسیار کمی از آنها می‌توانند دست‌مزد نجومی بگیرند. این عدد و رقم‌های باورنکردنی در نهایت فوتبال ایران را نابودی می‌کنند و عجیب است که امثال دایی نیز در همین مسیر قدم بر می‌دارند.

به خاطر مردم، پست نمی‌گیرم!

اخیراً در باره حضور در اس فدراسیون از علی دایی سوال شده و او این طور پاسخ داده است: «جایگاهم در بین مردم را با هیچ پست و مقامی عوض نمی‌کنم!». در مردمی بودن شهریار و علاقه او به مردم شکی نیست اما چه کسی گفته که حضور در فدراسیون، او را ناگهسان غیر مردمی خواهد کرد؟ فدراسیون فوتبال نه یک پست سیاسی، که یک جایگاه کاملاً فوتبالی است. مردم هم به شدت خوشحال خواهند شد که یک چهره فوتبالی در این موقعیت قرار بگیرد. یک چهره موجه که می‌تواند روابط خوبی با ای‌اف‌سی و فیفا برقرار کند و شرایط خوبی برای فوتبال ایران

حضور در جایی مثل فدراسیون فوتبال، کوچک ترین منافاتی با مردمی بودن علی دایی نخواهد داشت. دایی همه محبوبیتش را از فوتبال گرفته و کاش امروز که فوتبال به او نیاز داشت، به میدان می‌آمد و کمی به مدیریت می‌پرداخت

بسازد. کجای این ماجرا، جایگاه علی دایی را در بین مردم خنده‌دار خواهد کرد؟ مردم بدون شک ممنون علی دایی خواهند شد اگر دست به چنین کاری بزند. شهریار اما از یک سوسه همین راحتی از خودش رفع تکلیف می‌کند و از سوی دیگر هم‌زمان این موضوع را به شعار مردمی بودن پیوند می‌زند. مگر فوتبال ایران چند علی دایی دارد؟ مگر فوتبال ایران چند چهره‌ها این شهرت جهانی دارد؟ چرا کسی مثل علی دایی کمک به فوتبال ایران پیش قدم نمی‌شود؟ علی دایی حتی اگر وارد انتخابات شود و رای نیاورد، انتظارها از رئیس فدراسیون را بالا خواهد برد. هر چند که حتی احتمال رای آوردن او در این رقابت بالا به نظر می‌رسد. به هر حال حضور در جایی مثل فدراسیون فوتبال، کوچک ترین منافاتی با مردمی بودن علی دایی نخواهد داشت. دایی همه محبوبیتش را از فوتبال گرفته و کاش امروز که فوتبال به او نیاز داشت، به میدان می‌آمد و کمی به مدیریت می‌پرداخت. او اما ترجیح می‌دهد بیرون گود بماند و به مصاحبه کردن ادامه بدهد. دایی به اندازه یک مربی با مدیر فعال فوتبالی مصاحبه می‌کند اما در سال‌های گذشته در میدان فوتبال دیده نشده است. آیا این غیبت سرانجام به پایان می‌رسد؟ نمی‌دانیم اما خیلی خوب می‌دانیم که رفتن دایی به فدراسیون در بین مردم طرفداران زیادی دارد. مردم اتفاقاً دایی مدیر را به مراتب بیشتر از دایی مربی می‌پسندند. او در دوران مربیگری اصلاً موفق نبوده اما ظاهر از جیبش می‌دهد مدام همان دوران را برای خودش تکرار کند. شاید یک آزمون و خطای جدید اما دایی را در شرایط متفاوتی قرار بدهد. بد نیست که او کمی هم به فوتبال کمک کند. هیچ چیز به این اندازه در شرایط سخت فعلی مردم ایران را شادمان خواهد کرد.

استقلال و شرایط سنی او، این بازیکن را به سومین کاپیتان این فصل استقلال پشت سر حسینی و چشمی تبدیل می‌کند. اگر این دو بازیکن در زمین مسابقه نباشند، شهباز زاده بازو بند کاپیتانی را بر بازو خواهد بست. البته این نکته را هم فراموش نکنیم که انتخاب کاپیتان در نهایت ممکن است با نظر مربی تغییر کند و این ساینستوست که باید نظر نهایی‌اش را در این مورد بدهد.

**علیرضا بیرانوند:** بیرو دوباره به پرسپولیس برگشته تا بعد از مدتی نیمکت‌نشینی در اروپا، به همان فرم قبلی‌اش در فوتبال ایران برگردد و جایگاه شماره یک تیم ملی را نیز به دست بیاورد. او هم در لیگ پانزدهم برای اولین بار پرسپولیسی شده و سابقه زیادی در این تیم دارد. بیرو در این فصل یکی از کاپیتان‌های پرسپولیس خواهد بود. با توجه به احتمال غیبت کمال و عالی‌شاه در ترکیب اصلی، این بازیکن شانس زیادی برای تبدیل شدن به کاپیتان اصلی تیم نیز دارد. بیرسو و انگیزه‌های فراوانی برای بازگشت به روزهای خوب در پرسپولیس خواهد داشت.

**وحید امیری:** نقش کلیدی وحید امیری در پرسپولیس بر هیچکس پوشیده نیست. او نیز حالا سابقه زیادی در این باشگاه دارد و زمانی که از مصدومیت برگردد، یکی از گزینه‌های کاپیتانی تیم خواهد بود. بیرو و وحید هر دو در یک فصل به این تیم ملحق شدند و هر دو هم مدتی خارج از ایران بازی کردند و دوباره به این تیم برگشتند. هر دو نفر هم شانس زیادی برای کاپیتانی پرسپولیس در فصل تازه خواهند داشت. گفته می‌شود که امیری در این فصل با تصمیم یحیی در سمت چپ خط دفاعی سرخ‌ها بازی گرفته خواهد شد.



بودن سید حسین البته کار چشمی را برای تصاحب بازو بند کاپیتانی کمی دشوار می‌کند.

**کمال کامیابی‌نیا:** قبل از شروع لیگ پانزدهم با نظر بر آنکو جذب شد و عملاً یکی از بهترین خریدهای پرسپولیس لقب گرفت. کمال حالا بعد از عالی‌شاه، دومین بازیکن قدیمی قرمزها به شمار می‌رود. بازیکنی که در همه این سال‌ها حتی برای مدتی کوتاه تیم را ترک نکرده و همواره در جمع قرمزها حضور داشته است. کامیابی‌نیا هفت فصل برای سرخ‌ها بازی کرده و این عدد به زودی به «هشت» خواهد رسید. با توجه به احتمال نیمکت‌نشینی عالی‌شاه، کمال هم یک گزینه جدی برای کاپیتانی در پرسپولیس است. هر چند که خود او هم در هفته‌های زیادی از فصل گذشته نیمکت‌نشینی را تجربه کرده است.

**سجاد شهباز زاده:** این «سومین» مقطع حضور سجاد شهباز زاده در باشگاه استقلال است. ستاره‌ای که یک مهره باتجربه در یک تیم بسیار جوان خواهد بود. سابقه سجاد در